

## دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»

سال سوم، شماره پنجم / بهار و تابستان ۱۳۹۷؛ ۱۰۶-۸۹

### بررسی تطبیقی مصادیق آیه تطهیر از دیدگاه علامه طباطبایی، حاکم حسکانی و رشیدالدین میبیدی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۲)

محمد اسماعیل صالحی زاده<sup>۱</sup>

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نظرات مفسران درخصوص مصادیق آیه تطهیر، مطالب ارائه شده ذیل این آیه را در سه تفسیر کشف الاسرار، شواهد التنزیل و المیزان، مورد بررسی و نقد قرار داده است. علامه طباطبایی، با استمداد از قرآن و روایات شیعه و اهل سنت، اهل البیت یا همان پنج تن آل عبا را مصادیق آیه تطهیر دانسته و ابراز می‌دارد که خداوند خواسته رجس و پلیدی را تنها از اهل البیت دور کند؛ لذا این آیه بر عصمت آنان دلالت دارد. حاکم حسکانی نیز شمار زیادی از روایات را که همسو با نظر علامه و مؤید استنادات ایشان است، ذیل آیه تطهیر آورده است؛ ولی میبیدی، واژه «رجس» را در این آیه به معنای پلیدی که زنان از آن نهی شده‌اند دانسته و «تطهیر» را نیز به جایگزینی صفات نیکو به جای صفات زشت و پاکی از عجب تفسیر کرده است. وی در تفسیر خود، مصداق اهل بیت را همسران پیامبر (ص) و عترت ایشان از بنی هاشم می‌داند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و نظرات هر یک از سه مفسر را مورد بررسی و نقد قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** آیه تطهیر، اهل بیت، عصمت، المیزان، کشف الاسرار، شواهد التنزیل.

---

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ دانشکده شاهرود. [salehi3949@gmail.com](mailto:salehi3949@gmail.com)

## مقدمه

آنچه تاکنون بیشتر مورد اهتمام مفسران فریقین بوده، تفسیر ترتیبی و موضوعی است، ولی تفسیری که کمتر به صورت مستقل به آن توجه شده، تفسیر تطبیقی است، این نوع تفسیر به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های مختلف درباره تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. تفسیر تطبیقی در موضوعات مختلفی قابل بررسی است که در این پژوهش تنها به بحث تطبیقی آیه تطهیر در سه تفسیر المیزان، کشف الاسرار و شواهد التنزیل پرداخته شده است.

آیه تطهیر یکی از مهمترین آیات قرآن کریم است که از دیرباز مورد بحث اندیشمندان اسلامی و مفسران قرآن بوده و از ابعاد مختلف مورد بحث قرار گرفته و کتاب‌های مستقلی درباره آن به رشته تحریر در آمده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۴، تجلی ولایت در آیه تطهیر؛ اخوان مقدم، ۱۳۹۲، آیه تطهیر در آیین شعر عرب؛ آصفی، ۱۳۸۶، آیه تطهیر؛ باقرزاده، ۱۳۹۲، پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر و...؛ ولی هدف از نگارش این تحقیق، بررسی تطبیقی این آیه، از دیدگاه علامه طباطبایی، حاکم حسکانی و رشیدالدین میبدی، با هدف اثبات حقانیت اهل بیت (ع)، کاهش نزاع در بین شیعه و اهل سنت و افزایش اتحاد امت اسلامی است. از این رو، این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در صدد بررسی و نقد تفسیر آیه تطهیر از سوی سه مفسر مذکور و نیز دریافت نقاط اشتراک و افتراق نظرات این سه عالم می‌باشد تا در نهایت بتواند ضمن راستی آزمایی نظرات، قول صحیح را معرفی کند.

در همین راستا، نخست معرفی کوتاهی از این سه تفسیر ارائه و پس از آن واژگان آیه تبیین و نگرش هر اثر در مورد آیه بررسی می‌شود و نهایتاً دیدگاه‌های این سه مفسر به صورت تطبیقی مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

## ۱. معرفی تفاسیر

۱،۱. تفسیر المیزان: «تفسیر المیزان»، تألیف علامه محمد حسین طباطبایی، (۱۳۶۰م) یکی از منابع اصیل فرهنگ و معارف اسلامی در قرن اخیر به شمار می‌رود. این کتاب عظیم در واقع موسوعه‌ای است جامع، مشتمل بر مباحث عمیق قرآنی، حدیثی، فلسفی، عرفانی، ادبی، اخلاقی، تاریخی، اجتماعی و غیره، که با طرحی بی‌سابقه و شیوه‌ای محققانه به رشته تحریر درآمده است. این تفسیر ارزنده از نظر صوری و معنوی، رعایت موازین صحیح قرآنی، تفکیک مباحث تفسیری، روایی و علمی از یکدیگر، نقد و بررسی و تحلیل آراء برخی از مفسران و دیگر موارد مشابه، اثری بدیع و بی‌سابقه است. غیر از تفسیر المیزان، از دیگر آثار وی می‌توان به «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، «بدایه الحکمه»، «نهایه الحکمه» و «شیعه در اسلام» و... اشاره کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۹۶)

۲،۱. تفسیر کشف الأسرار و عدۀ الابرار: این تفسیر، تألیف رشیدالدین میبیدی، تا سالیان اخیر به صورت اجزایی پراکنده و نسخه‌های گوناگون، ناشناخته مانده بود تا آن که در سال‌های (۱۳۳۹-۱۳۳۳) به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، اجزای پراکنده و نسخ گوناگون آن جمع‌آوری و در ده جلد به زیور طبع آراسته شد. قدمت این کتاب آن طور که در مقدمه آن بیان شده است به اوائل قرن ششم هجری برمی‌گردد. تاریخ تولد و وفات مؤلف معلوم نیست، ولی مقدمه و قسمتی از مطالب کتاب، گویای این است که میبیدی در قرن ششم (هـ ق) می‌زیسته و این تفسیر را از سال ۵۲۰ به بعد به رشته تحریر درآورده است. میبیدی در ابتدای تفسیر کشف‌الاسرار و عدۀ‌الابرار، روش خود را چنین بیان می‌دارد: «شرط در این کتاب آن است که مجلس‌ها سازیم در آیات قرآن بر ولا، و در هر مجلس سه نوبت سخن گوئیم، اول پارسی ظاهر بر وجهی که هم اشارت به معنی دارد و هم در عبارت غایت ایجاز بوده، دیگر نوبت تفسیر گوئیم و وجوه معانی و قراءات مشهوره و سبب نزول و بیان احکام و ذکر اخبار و آثار و نوادر که تعلق به آیت دارد، و وجوه و نظایر و مایجری مجرا، سه دیگر نوبت: رموز عارفان و اشارات صوفیان و لطائف مذکران» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۱/۱)

۳،۱. تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: این تفسیر، تألیف ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله حسکانی نیشابوری، معروف به «حاکم حسکانی» از دانشمندان قرن پنجم (هـ ق) و از خاندان علم و ادب و از تبار عبدالله بن عامر بن کریم، فاتح خراسان بود. ولادت و وفات وی به درستی روشن نیست. ذہبی در «تذکره الحفاظ» او را حنفی معرفی نموده و تصریح می‌کند که تا سال ۴۷۰ هجری زنده بوده و بعد از این تاریخ وفات نموده است. (ذہبی، ۱۹۹۸: ۳ / ۱۲۰۰) انگیزه تألیف این کتاب دفاع از شخصیت امام علی (ع) و آیات وارده در مورد آن حضرت است که توسط برخی متعصبان مورد تردید قرار گرفته بود. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۱۹) البته مؤلف در پایان کتاب متذکر این نکته می‌شود که چون با شتاب این کار علمی را انجام داده، توفیق جمع‌آوری همه احادیث شأن نزول فضائل علی (ع) را بدست نیاورده و در واقع آنچه که در دسترس مؤلف بوده، مطرح شده و از منابع دور از دسترس چشم‌پوشی کرده است. در کتاب شواهد‌التنزیل مؤلف پس از مقدمه آن که شامل شش فصل می‌باشد از سوره فاتحه تا سوره ناس هر آیه‌ای را که دارای شأن نزول ویژه اهل‌البیت پیامبر (ص) است، مطرح می‌سازد، پس از آن به نقل از اسباب نزول و روایات آن از طریق عامه و خاصه می‌پردازد.

## ۲. تبیین واژگان آیه:

«... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳) ... خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

واژگان مورد بحث در این آیه شامل ادات حصر «إنما»، فعل «یرید»، و اسامی «الرجس، اهل‌البیت و تطهیر» است.

## ۱-۲. اِنْمَا

واژه اِنْمَا در ادبیات عرب بر حصر دلالت دارد. (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۱ / ۵۹؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۸ / ۳۲) ابن منظور می‌گوید: اگر بر «ان»، «ما» افزوده شود بر تعیین دلالت دارد؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۳۲) بنابر این اراده الهی و حکم تطهیر در آیه فقط منحصر به اهل بیت است. چنان که علامه طباطبایی می‌فرماید: کلمه «اِنْمَا» در آیه انحصار خواست خدا را می‌رساند و بیان می‌کند که خدا خواسته است که رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند، و به آنان عصمت دهد، و کلمه «اهل‌البیت» دلالت دارد بر این که دور کردن رجس و پلیدی از آنان و تطهیرشان، مسأله‌ای است مختص به آنان و کسانی که مخاطب در کلمه «عنکم» هستند. بنابراین در آیه شریفه درحقیقت دو قصر و انحصار بکاررفته، یکی انحصار اراده و خواست خداوند در زدودن و دور کردن پلیدی و تطهیر اهل‌البیت، دوم انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل‌البیت. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۰۹)

## ۲-۲. یُرِيدُ

واژه «یُرِيدُ» فعل مضارع از «أراد» است که ثلاثی مجرد آن «رود» به معنای طلب می‌باشد (فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۱۰؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴ / ۴۶۶) راغب اصفهانی می‌گوید: «هر گاه گفته شود: اراد الله؛ خدا اراده کرده است، معنایش آن است که خدا حکم کرده چنین باشد، در حالی که چنین نبوده است». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۲) مصطفوی می‌گوید معنای اصلی «رود» طلب همراه با اراده و اختیار است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴ / ۲۷۰) اراده الهی، یا تکوینی است، یعنی در پی آن، متعلق اراده الزاماً محقق می‌شود، مانند این که خداوند اراده کرد آتش بر ابراهیم علیه السلام سرد و بی‌ضرر شود، و این اراده بی‌درنگ محقق شد: «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس / ۳۶، ۸۲) یا تشریحی است؛ یعنی اراده، با وقوع مقصود ملازم نیست؛ مانند اراده و خواست خداوند در انجام واجبات و پرهیز از محرّمات که ممکن است در موارد فراوانی محقق نشود. اراده در این آیه، تکوینی است، نه تشریحی؛ یعنی خداوند اراده کرده که اهل بیت پیامبر از هرگونه پلیدی دور باشند و آنان را پاک و پاکیزه قرار داده است و در پی این اراده، دوری از آلودگی‌ها و صفت طهارت برای آنان تحقق یافته است؛ زیرا اراده تشریحی خداوند مبنی بر دور بودن از پلیدی‌ها و پاکیزگی انسان‌ها با انجام تکالیف، به اهل بیت پیامبر اختصاص ندارد؛ بلکه خداوند اراده کرده است همه انسان‌ها از پلیدی‌ها برحذر و به طهارت و پاکیزگی متّصف باشند؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۰) چنان‌که در دستور به غسل و وضو می‌فرماید: خداوند به این وسیله می‌خواهد شما

مسلمانان را پاک کند: «ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ...» (مائده: ۶-۵) قرینه دیگری که اراده تکوینی در این آیه را نشان می‌دهد، این است که به استناد روایات فراوانی که در شأن نزول خواهد آمد، این آیه در منقبت و ستایش اهل بیت است و اگر اراده، صرفاً تشریحی باشد، دیگر منقبتی نخواهد بود؛ زیرا این اراده، برای همه وجود دارد؛ (طبرسی ۱۳۷۲: ۸ / ۵۶۰) البته اراده تکوینی، با جبر ملازم نیست؛ زیرا اراده تکوینی خدا بر آن چه در عالم تحقق یافته است و می‌یابد، تعلق می‌گیرد؛ چه از مسیر انتخاب فاعل مختار و چه از طریق فاعل‌های جبری و طبیعی باشد و اهل بیت (ع) به دلیل شایستگی ذاتی و اکتسابی، در عین قدرت و اختیار برای گناه کردن، به اختیار خودشان گناه نمی‌کنند. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۱ / ۴۲۳)

## ۲-۳. رجس

رجس به معنای قذر و پلیدی است (فیومی، ۱۴۱۴: ۲ / ۲۱۹) که به گفته ابن اثیر در مورد حرام، فعل قبیح، عذاب، لعنت و کفر به کار می‌رود (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۲ / ۲۰۰) راغب می‌گوید رجس چهار گونه است: طبعی، عقلی، شرعی و مجموع این سه مثل میته، قذر و پلید طبعی و عقلی و شرعی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۲) از آن جایی که کلمه رجس در آیه شریفه، الف و لام جنس دارد معنایش این می‌شود که خدا می‌خواهد تمامی انواع پلیدی‌ها و رذائل را از اهل بیت دور کند و چنین ازاله‌ای با عصمت الهی منطبق می‌شود. آیه شریفه یکی از ادله عصمت اهل‌البیت (ع) است؛ زیرا اگر مراد از آیه چنین معنایی نباشد بلکه مراد از آن تقوی و یا تشدید در تکالیف باشد، دیگر اختصاصی به اهل‌البیت (ع) نخواهد داشت چون خداوند از همه بندگان و نه فقط از اهل‌البیت تقوی می‌خواهد. تطهیر اهل‌البیت به این معناست که ایشان را مجهز به ادراک حق کند و مراد از اراده (خدا می‌خواهد چنین کند) اراده تکوینی می‌شود، زیرا اراده تشریحی که منشأ تکالیف دینی و متوجه ساختن آن تکالیف به مکلفان است، اصلاً با این مقام سازگار نیست؛ چون خداوند اراده تشریحی را تنها نسبت به اهل‌البیت ندارد بلکه نسبت به تمام مردم دارد؛ بنابراین معنای آیه این می‌شود که خدای سبحان مستمراً و دائماً اراده دارد که شما را به این موهبت یعنی موهبت عصمت اختصاص دهد به این طریق که اعتقاد باطل و اثر عمل زشت را از شما اهل‌البیت ببرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۲)

## ۲-۴. تطهیر

تطهیر از باب تفعیل به معنای پاک ساختن است، «طَهَّرَهُ تَطْهِيراً: جَعَلَهُ طَاهِراً»، (کبیر مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ۸ / ۳۱۸) راغب اصفهانی می‌نویسد: طهارت دو گونه است: طهارت و پاکی جسم، و طهارت و پاکی نفس که عامه آیات قرآن کریم بر این دو معنا حمل می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۵) کلمه «تطهیراً» که در پایان آیه تطهیر به صورت

مفعول مطلق آمده، طبق قواعد زبان عربی بیان کننده نوعی تأکید است بنابراین، «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» بر تطهیر جسمی و روحی کامل اهل بیت(ع) دلالت دارد؛ چنان که علامه طباطبایی می‌فرماید: مقصود از تطهیر در آیه پاکی اهل بیت(ع) از اعتقاد باطل و عمل زشت است؛ یعنی خداوند سبحان اهل بیت(ع) را به موهبت عصمت اختصاص داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۳۱۳)

## ۲-۵. اهل البیت (ع)

«اهل بیت» در اصل لغت به معنای «خویشاوندان فرد» است فیومی می‌گوید: اهل البیت و الأصل فيه القرابة (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۲۸) اهل الرجل عشیرته و ذوو قریاه (فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۳/۴۵۳)؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۴/۳۵) علامه طباطبایی از آیه شریفه تطهیر استفاده می‌کنند که «اهل البیت» نسبت به سایر مسلمانان دارای یک خصوصیت و ویژگی هستند که دیگران فاقد آن می‌باشند و آن ویژگی، طهارت و عصمت مطلقه آنان است، روایاتی که در شأن نزول آیه شریفه آمده است بیان کننده آن است که آیه در شأن رسول خدا (ص)، علی (ع)، فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) نازل شده است و احدی در این فضیلت با آنان شرکت ندارد و این روایات بیش از هفتاد حدیث است که بیشتر آنها از طرق اهل سنت است که تقریباً از چهل طریق نقل کرده‌اند و شیعه از سی طریق نقل کرده‌است. در بسیاری از این روایات و بخصوص آنچه از ام سلمه - که آیه در خانه او نازل شد - روایت شده است تصریح دارد بر این که آیه مخصوص همان پنج تن است و شامل همسران رسول خدا(ص) نمی‌شود( همان: ص ۳۱۱).

اگر کسی بگوید روایات مذکور مخالف قرآن است؛ زیرا آیه مورد بحث دنبال آیاتی قرار دارد که خطاب در همه آنها به همسران رسول خدا ص است، پس باید خطاب در این آیه نیز به همسران باشد، در پاسخ می‌توان گفت: آیا آیه مورد بحث متصل به آن آیات و تتمه آنها است یا خیر؟ چون روایاتی که اشاره شد می‌فرمایند که آیه مورد بحث به تنهایی و در یک واقعه جداگانه نازل شده و حتی در بین این هفتاد روایت، یک روایت هم وجود ندارد که بگوید آیه شریفه دنبال آیات مربوط به همسران رسول خدا(ص) نازل شده و احدی از مفسران هم این قول را نیاورده‌اند، حتی افرادی مانند عکرمه و عروه هم که گفته‌اند آیه مورد بحث مخصوص همسران رسول خدا(ص) است، اعتقاد ندارند که آیه مورد بحث در ضمن این آیات نازل شده است. بنابراین این آیه از جهت نزول جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا (ص) و متصل به آنها نیست. حال یا این است که به دستور رسول خدا (ص) دنبال آن آیات قرارداد شده است، و یا بعد از رحلت رسول خدا (ص)، اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی، در این قسمت از قرآن نوشته‌اند، مؤید این احتمال این است که اگر آیه مورد بحث (آیه تطهیر) که در حال حاضر جزو آیه «وقرن فی بیوتکن...» است، از آن حذف شود و

فرض کنیم که اصلاً جزو آن نیست، آیه مزبور با آیه بعدش (مائده/۳۴) که می‌فرماید: «واذکرن...» کمال اتصال و انسجام را دارد. این امر نشان می‌دهد که آیه تطهیر به دنبال آیات مربوط به همسران حضرت (ص) نازل نشده و آیه مورد بحث نسبت به آیه قبل و بعدش نظیر آیه «الیوم یئس الذین کفروا...» (مائده/۳) است که در وسط آیاتی قرار گرفته که آنچه خوردنش حرام است را بیان می‌کند.

بنابراین کلمه «اهل البیت» در عرف قرآن اسم خاص است که هر جا ذکر شود، منظور از آن، این پنج تن هستند، یعنی رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و حسنین (ع) و بر هیچ کس دیگری اطلاق نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۲-۳۱۱)

علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان روایاتی را که درباره آیه تطهیر وارد شده و شأن نزول آیه شریفه را پنج تن آل عبا بیان می‌کند و بیش از هفتاد روایت می‌شمرد و می‌فرماید: «آنچه از طرق اهل سنت، در این زمینه نقل شده بیش از آن است که از طریق شیعه وارد شده است. ایشان همچنین به شبهاتی که در باره این روایات مطرح شده پرداخته و به آنها پاسخ می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۱)

از جمله آن روایات، ابن مردویه، از ام سلمه روایت کرده که گفت: آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» در خانه من نازل شد و در خانه هفت نفر بودند، جبرئیل، میکائیل، علی، فاطمه، حسن، و حسین و من که دم در ایستاده بودم، عرضه داشتم: یا رسول الله (ص) آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود تو عاقبت بخیری، تو از همسران پیغمبری. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۷)

در روایت دیگری ابن جریر، و ابن منذر و ابن ابی حاتم و طبرانی و ابن مردویه، همگی از ام سلمه روایت کرده‌اند که رسول خدا (ص) در خانه او عبایی بافت، خبیر به روی خود کشیده و خوابیده بود که فاطمه (س) وارد شد در حالی که ظرفی غذا با خود آورده بود. رسول خدا فرمود: همسرت و دو پسرانت حسن و حسین را صدا بزن. فاطمه برگشت تا ایشان را با خود بیاورد، در همان بین که داشتند آن غذا را می‌خوردند این آیه نازل شد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». پس رسول خدا (ص) زیادی جامه‌ای که داشت بر سر آنان کشید، آن گاه دست خود را از زیر کسا بیرون آورد، به آسمان اشاره کرد، و عرضه داشت: بار الها! اینها اهل بیت من و خاصگان من هستند، پس پلیدی را از ایشان ببر، و تطهیرشان کن، و این کلام را سه بار تکرار کرد. ام سلمه می‌گوید: من سر خود را در زیر جامه بردم، و عرضه داشتم: یا رسول الله (ص) من هم با شمایم. حضرت دوبار فرمود: تو عاقبت بخیری. (همان)

### ۳. آیه تطهیر از دیدگاه میبیدی

رشیدالدین میبیدی می‌گوید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ يَٰعَنِي - الاثم الذي نهى الله النساء عنه، و قيل: الرِّجْس - اسم لكلِّ مكروه مستقذر، قال الله تعالى في صفة المنافقين: إِنَّهُمْ رِجْسٌ و الرِّجْس نعت للواحد و الجمع و المذكَر و المؤنث. و في الخبر: اعوذ بك من الرجس النجس الخبيث المخبث، الشيطان الرجيم...» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۴۵) در قسمت دیگری از تفسیر این آیه می‌نویسد: «رَبِّ الْعَالَمِينَ مَنَّتْ مِي نَهْدُ بِرِ مِصْطَفَى عَرَبِي كِه خَوَاسْتِ مَآ وَ حَكْمِ مَآ اَنَسْتِ كِه اَهْلِ بَيْتِ تَوِ پَاكِ بَاشَنْدِ اَز هَر چِه اَلَايشِ خَلْقِيَّتِ اسْتِ وَ اَوَسَاخِ بَشْرِيَّتِ، الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ - گفته‌اند كه «رِجْس» در افعال خبيثه است و اخلاق دَنِيَّه، افعال خبيثه فواحش است، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ، وَ اخْلَاقِ دَنِيَّه هُوِي وَ بَدَعْتِ وَ بَخْلِ وَ حَرَصِ وَ قَطْعِ رَحْمِ وَ امثالِ اَنَ، رَبِّ الْعَالَمِينَ ايشان را به جاي بدعت، سَنَّتْ نِهَادِ وَ بَه جَايِ بَخْلِ، سَخَاوَتِ وَ بَجَايِ حَرَصِ، قَنَاعَتِ وَ بَجَايِ قَطْعِ رَحْمِ، وَ صِلَتِ وَ شَفَقَتِ. اَن كِه فَرَمُود: وَ يَطْهَرُكُمْ تَطْهِيْرًا - وَ شَمَا رَا پَاكِ مِي دَارْدِ اَز اَنَكِه بَه خُودِ مَعْجَبِ بَاشِيْدِ يَآ خُودِ رَا بَرِ دَرِ اَللّٰهِ دَالْتِي دَانِيْدِ يَآ بَه طَاعَتِ وَ اَعْمَالِ خُودِ نَظْرِي كِنِيْدِ. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۵۷)

رشیدالدین میبیدی در تفسیرش، «رِجْس» را به معنی گناهی كه زنان از آن نهی شده‌اند دانسته و تطهیر را نیز به جایگزینی صفات نيكو به جای صفات زشت و پاکی از عَجَبِ تَفْسِيْرِ كَرْدِه اسْتِ. وی اقوال مختلفی در مصداق اهل‌البیت بیان کرده و نقل می‌کند كه گروهی معتقدند كه منظور از اهل‌البیت، همسران حضرت پیامبر (ص) هستند؛ زیرا آن‌ها در خانه‌ی آن حضرت بودند و مستم سَكِ نَظَرِ اَيْنِ گِرُوهِ، رَوَايَتِ سَعِيْدِ بِنِ جَبْرِ اَز اِبْنِ عَبَّاسِ اسْتِ كِه اَهْلِ الْبَيْتِ رَا هَمِ سِرَانَ پِيَامِبِرِ نَامِيْدِه اسْتِ. اما گروهی دیگر از جمله ابوسعید خدری و جماعتی از تابعین معتقدند كه مراد از اهل‌البیت علی، فاطمه و حسنین علیهم‌السلام هستند و دلیل آنها روایت عایشه است كه گفت: رُوْزِي رَسُوْلِ خُودَا عَبَائِي پَشْمِيْنِ سِيَاَه رَنْگِ بَرِ تَنِ خُودِ پِيْجِيْدِ وَ نَشَسْتِ، اَنگَاَه فَاطْمَه وَ اَرْدِ شَدِ اَوْ رَا دَاخِلِ عِبَا كَرْدِ پَسِ اَز اَنِ عَلِي وَ حَسَنِ وَ حَسِيْنِ (ع) وَ اَرْدِ شَدَنْدِ، حَضْرَتِ هَمِه رَا زِيْرِ عِبَا جَايِ دَادِ وَ اَيْنِ آيَه رَا خُوانْدِ كِه خُداوَنْدِ مِي خُواهدِ شَمَا اَهْلِ الْبَيْتِ مَرَا اَز رِجْسِ پَاكِ وَ بَه زَبُورِ پَاكِي وَ حَسَنِ خَلْقِ اَرَا سْتِه كَنْدِ وَ اَز زَيْدِ بِنِ اَرْقَمِ رَوَايَتِ مِي كَنْدِ كِه ايشان اهل‌البیت را کسانی می‌داند كه صدقه بر آن‌ها حرام است از آل علی، عقیل، جعفر و عباس. میبیدی، اقوال مختلفی را در خصوص اینکه اهل‌البیت (ع) چه کسانی‌اند بیان کرده است كه در يك قول اهل‌البیت را همسران حضرت (ص) و در قول دیگری اهل‌البیت را پنج تن آل عبا و در قولی دیگر، اهل‌البیت را هم پنج تن آل عبا و هم همسران پیامبر (ص) معرفی می‌نماید و در آخر با عبارت « و الصحيح ان المراد باهل البيت ازواج النبي (ص) و عترته الذين هم آله من بني هاشم» (همان، ص ۴۶) نظر خود را اعلام می‌نماید كه مصداق آیه همسران پیامبر (ص) و عترت ایشان از بنی‌هاشم می‌باشد.

#### ۴. آیه تطهیر از دیدگاه حاکم حسکانی



حاکم حسکانی بعد از ذکر آیه تطهیر می گوید: «و قد کثرت الروایه فیها» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۸) و هرآینه درباره این آیه روایت زیاد است؛ سپس حدود صد و سی و هفت روایت نقل می کند که مقصود از این آیه پنج تن هستند که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) از براء بن عازب نقل شده، امیرالمؤمنین علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) در خانه مصطفی (ص) حاضر شدند. چون عده، پنج تن کامل شد، رسول الله فرمود رداء مرا بیاورید، همگی را در زیر عبا و رداء قرارداد آن گاه فرمود: خدایا! اینها عترت و اهل بیت من هستند.

ب) روایتی از جابر بن عبد الله انصاری نقل کردند که مصطفی (ص)، علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را فرا خواند و جامه خویش را بر روی آنان انداخت و فرمود: «اللهم هؤلاء اهلی؛ هؤلاء اهلی». خدایا اینها اهل بیت من هستند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۲۸)

ج) محمد بن منکدر از جابر بن عبد الله نقل کرد؛ وقتی آیه کریمه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» بر رسول الله (ص) نازل شد، در سرای آن حضرت، علی، فاطمه، و حسن و حسین (ع) حضور داشتند. نبی (ص) فرمود: «اللهم هؤلاء اهلی»؛ خدایا این چهار تن اهل بیت من هستند که مورد لطف بیکران تو قرار گرفتند. (همان ص ۲۹)

د) عطیه از ابوسعید خدری در توضیح و تفسیر آیه کریمه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» بیان کرد، روزی رسول خدا (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را فراخواند و کساء خود را بر شانه آنان انداخت و فرمود: خدایا! این جمع، اهل بیت من هستند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۳۸)

هـ) عمران بن مسلم می گوید از عطیه عوفی در توضیح آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» سؤال کردم. عطیه در جواب گفت؛ از ابو سعید خدری صحابه معروف رسول الله (ص) شنیدم، گفت: این آیه کریمه در شأن و منزلت نبی (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) نازل شد. و هنگامی که رسول الله (ص) این آیه شریفه را شنید، آن چهار تن را جمع کرد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی، فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا». ام سلمه که در مقابل در خانه ایستاده بود، چون این سخن رسول الله (ص) را شنید عرض کرد: یا نبی الله! آیا من هم از اهل بیت هستم. حضرت فرمود: ای ام سلمه! تو از زنان خوب؛ خیرخواه و نیکی هستی، اما از اهل بیت و این جماعت پنج تن نیستی. (همان)

## ۵. سنجش دیدگاه‌های سه گانه پیرامون آیه تطهیر

در قسمت تبیین واژگان آیه، دیدگاه علامه طباطبایی در خصوص آیه تطهیر بیان شد که از نظر ایشان اهل البیت (ع) منحصر در پنج تن آل عباست و آنها نسبت به سایر مسلمانان دارای یک خصوصیت و ویژگی‌اند که دیگران فاقد آن هستند و آن ویژگی، طهارت و عصمت مطلقه آنان است و همسران حضرت پیامبر (ص) مخاطب این آیه نیستند و برای اثبات ادعای خود، روایات زیادی از فریقین بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۶/ ۳۰۹). حاکم حسکانی نیز شمار بسیاری از این روایات را در تفسیر خود آورده که به ذکر تعدادی از آنها بسنده کردیم؛ بنابراین روشن است که نظر او موید و موکد نظر جناب علامه می‌باشد. اما میددی در بررسی این آیه شریفه پس از بیان اقوال مختلفی که در خصوص مصادیق اهل البیت (ع) مطرح کرده، می‌گوید مصداق آیه شریفه، علاوه بر اهل البیت پیامبر (ص) همسران ایشان نیز هستند.

از جمله نکات شایان توجه تفسیر میددی این است که در یک قسمت رجس را به معنای همه آرایش‌های خُلقی و کارهای خبیث و پست مانند هوی، بدعت، بخل، حرص، قطع رحم و امثال آن تعمیم داده است و تطهیر را نیز به جایگزینی صفات نیکو به جای صفات زشت و پاکی از عجب تفسیر کرده است و ذکر کردن برخی روایات در مصادیق اهل البیت (ع)، از دیگر ویژگی‌های تفسیر اوست.

اما از نقاط ضعف این تفسیر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- به تأثیر کلمه «إِنَّمَا» که موجب حصر است توجه نشده است.
- به کیفیت نزول آیه کریمه و این نکته که این قسمت از آیه، جدای از آیات قبل و بعد نازل گردیده، توجه نشده است، حال آنکه روایات فراوانی بر این نکته دلالت دارد و خود ایشان هم برخی از آن روایات را در ذیل آیه مودت یادآور شده است.
- در نوبت اول و نوبت سوم معنای رجس را تعمیم داده است ولی در نوبت دوم رجس را به گناهی که خداوند زنان پیامبر را از آن نهی کرده است تفسیر می‌کند و معنای عام را با تعبیر «قیل» که اشعار به ضعف آن دارد ذکر کرده است.
- در باب تکوینی یا تشریحی بودن اراده خداوند بحثی به عمل نیاورده است، حال آنکه تأثیر آن بر مفاد آیه شریفه بر اهل تحقیق پوشیده نیست.

- از روایات بسیار زیادی که در معرفی اهل البیت و تعیین افراد آن در کتاب‌های تفسیری و روایی عامه و خاصه وجود دارد تنها دو روایت را بی سند و مدرک ذکر کرده و اشاره‌ای هم به کثرت آن روایات ننموده است. با آنکه عدّه زیادی از صحابه، رأیشان بر آن است که اهل البیت علی (ع) و فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) هستند. و نظرات مختلفی هم که

بیان کرده است، مورد ارزیابی و تحلیل قرار نداده است. حال آن که علامه طباطبایی هرگاه نظرات مختلف را مطرح می‌کند آن‌ها را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و نظر در ست را بیان می‌کند که جای این ارزیابی در تفسیر میدی خالی است (بنیاد باقرالعلوم، ۱۳۷۴ / ۲: ۸۷-۸۹). بنابراین، هرچند برخی از مفسران اهل سنت مانند میدی آیه تطهیر را به همسران پیامبر (ص) تعمیم داده‌اند، ولی همان‌گونه که علامه طباطبایی و بسیاری از مفسران دیگر بیان کرده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ / ۶: ۲۱۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۱۲/۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۹۸/۱۷) تغییر سیاق آیه، و تبدیل ضمیرهای جمع مؤنث در ما قبل و ما بعد این آیه، به جمع مذکر دلیل روشنی بر این است که این جمله محتوای جداگانه دارد و منظور از آن چیز دیگری است. افزون بر آن، روایاتی که درباره آیه تطهیر و اختصاص آنها به پیامبر (ص) و علی (ع) و فاطمه و امام حسن و امام حسین (ع)، در منابع معروف اسلامی آمده، به قدری زیاد است که آن را در ردیف روایات متواتر قرار می‌دهد و از این نظر جای تردیدی در آن باقی نمی‌ماند. تا آنجا که در شرح احقاق الحق آن را از بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت (علاوه بر منابع معروف پیروان اهل بیت) نقل می‌کند و می‌گوید: «اگر همه این منابع را احصاء کنیم از هزار هم می‌گذرد!» (مرعشی، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۶۳-۵۰۲) از میان این روایات، هیجده روایت تنها در تفسیر «الدر المنثور» نقل شده است؛ که پنج روایت از ام سلمه، سه روایت از ابو سعید خدری، یک روایت از عایشه، یک روایت از انس، دو روایت از ابن عباس، دو روایت از ابی الحمراء، یک روایت از وائله بن اسقع، یک روایت از سعد، یک روایت از ضحاک بن مزاحم و یک روایت از زید بن ارقم است! (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۹-۱۹۶؛ مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۸۶: ۱۳۵ / ۹، ۱۴۰)

نکته قابل توجه این که حدیث کساء به دو شکل مفصل و مختصر نقل شده است و مضمون حدیث مختصر کساء متواتر است (مکارم شیرازی، آیات ولایت، ۱۳۸۶: ۱۶۷) و برخی از مفسران اهل سنت نیز اعتراف به صحت این روایت کرده‌اند، چنان که فخر رازی به مناسبتی ذیل آیه مباحله (آیه ۶۱ آل عمران) بعد از نقل حدیث کساء می‌گوید: «و اعلم أن هذه الرواية كالمتفق على صحتها بين أهل التفسير و الحديث»؛ این روایتی است که همه‌ی دانشمندان اهل تفسیر و حدیث، بر صحت آن اتفاق نظر دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸ / ۲۴۷) و علاوه بر دانشمندان شیعه، مفسران و محدثان اهل سنت مانند حاکم حسکانی در شواهد التنزیل (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۵۶)؛ سیوطی در «الدر المنثور» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۹-۱۹۶)؛ مسلم در صحیح (نیسابوری، ۱۴۰۷: ۷ / ۱۳۰) (باب فضائل اهل بیت النبی صلی الله علیه و آله)؛ ترمذی در سنن (ترمذی، ۱۴۰۳: ۳۰ / ۵) و... نیز این حدیث را نقل کرده‌اند.

**نتیجه گیری**

از رهگذر تحقیق حاضر درخصوص بررسی و ارزیابی نظرات سه مفسر اندیشمند علامه طباطبایی، میبیدی و حاکم حسکانی، مطالب زیر قابل استنتاج است:

۱. کلمه «إِنَّمَا» در آیه انحصار خواست خدا را می‌رساند و بیان می‌کند که خدا خواسته است که رجس و پلیدی را تنها از اهل البیت دور کند و به آنان عصمت دهد.

۲. اراده در این آیه، تکوینی است، نه تشریحی؛ یعنی خداوند اراده کرده که اهل بیت پیامبر از هرگونه پلیدی دور باشند و آنان را پاک و پاکیزه قرار داده است و در پی این اراده، دوری از آلودگی‌ها و صفت طهارت برای آنان تحقق یافته است.

۳. علامه طباطبایی با استمداد از آیات و روایات فریقین ثابت کرده است که مراد از اهل البیت (ع) در این آیه شریفه پنج تن آل عباس و همسران پیامبر (ص) مخاطب این آیه نیستند.

۴. حاکم حسکانی شمار زیادی از روایات را در ذیل آیه تطهیر آورده که این روایات همسو با نظر علامه و مؤید استنادات ایشان است.

۵. رشیدالدین میبیدی، در بررسی آیه تطهیر به کیفیت نزول آیه کریمه و نیز این نکته که این قسمت از آیه جدای از آیات قبل و بعد نازل گردیده است توجه نکرده و از روایات بسیار زیادی که در معرفی اهل البیت و تعیین افراد آن در کتاب‌های تفسیری و روایی عامه و خاصه وجود دارد تنها دو روایت را بی‌سند و مدرک ذکر و اشاره‌ای هم به کثرت آن روایات ننموده و همچنین نظرات مختلفی هم که بیان کرده مورد ارزیابی و تحلیل قرار نداده است. حال آن که علامه طباطبایی هرگاه نظرات مختلف را مطرح می‌کند آن‌ها را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و نظر درست را بیان می‌کند که جای این ارزیابی در تفسیر میبیدی خالی است. میبیدی اظهار می‌دارد که مصداق آیه، همسران پیامبر ص و عترت ایشان از بنی هاشم می‌باشد که در این پژوهش مورد نقد قرار گرفته و رد شد.

۱. قرآن کریم
۲. آصفی، محمد مهدی (۱۳۸۶): ((آیه تطهیر))، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷): ((النهاية في غريب الحديث و الأثر))، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴): ((لسان العرب)) بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
۵. ابن هشام، جمال الدین (۱۳۶۸): ((مغنی اللیب))، قم: مکتبه سید الشهداء، طبع رابع.
۶. اخوان مقدم، زهره (۱۳۹۲): ((آیه تطهیر در آینه شعر عرب))، تهران: نبأ.
۷. باقرزاده، عبدالرحمان (۱۳۹۲): ((پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر))، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
۸. بنیاد باقرالعلوم ع (۱۳۷۴): ((اهل البيت در تفسیر کشف الاسرار))، یزد: کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبدی.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳): ((سنن الترمذی))، تحقیق و تصحیح: عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ الثانیة.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش): ((شمس الوحی تبریزی (سیره عملی علامه طباطبایی))، قم: نشر اسراء.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴): ((تجلی ولایت در آیه تطهیر))، قم: اسراء، چاپ دوم.
۱۲. حسکانی، عبیدالله (۱۴۱۱): ((شواهد التنزیل لقواعد التفضیل))، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴): ((تاج العروس من جواهر القاموس))، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۱۴. ذهبی، شمس الدین (۱۹۹۸): ((تذکره الحفاظ))، بیروت: دار الکتب علمیه.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): ((مفردات ألفاظ القرآن))، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴): ((الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور))، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶): ((الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه))، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ: ۲.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷): ((المیزان فی تفسیر القرآن))، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): ((مجمع البیان فی تفسیر القرآن))، تهران: ناصر خسرو، چاپ ۳.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰): ((التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب))، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ۳.
۲۱. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵): ((القاموس المحيط))، بیروت: دارالکتب علمیه، چاپ اول.
۲۲. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴): ((المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر))، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
۲۳. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۳۸۴): ((الطراز الأول و الکناز لما علیه من لغة العرب المعول))، مشهد: مؤسسه آل البيت ع، لإحياء التراث، چاپ اول.

۲۴. مرعشی شوشتری، نور الله (۱۴۰۹): ((إحقاق الحق و إزهاق الباطل))، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ اول.
۲۵. مركز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲): ((دايرة المعارف قرآن كريم))، قم: بوستان كتاب، چاپ ۳.
۲۶. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸): ((التحقیق فی كلمات القرآن الكريم))، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۷. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴): ((التفسیر الكاشف))، قم: دار الكتاب الإسلامی، چاپ ۱.
۲۸. مكارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱): ((تفسیر نمونه))، تهران: دار الكتب الإسلامیة، چاپ ۱۰.
۲۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶): ((پیام قرآن))، تهران: دار الكتب الإسلامیة، چاپ نهم.
۳۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶): ((آیات ولایت در قرآن))، قم: نسل جوان، چاپ اول.
۳۱. میبیدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱): ((كشف الاسرار و عده الابرار))، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
۳۲. نیشابوری، مسلم، (۱۴۰۷): ((صحیح مسلم بشرح النووی))، محی الدین یحیی بن شرف النووی، بیروت: دارالكتاب العربی، چاپ دوم.